

A comparative study of Sunni and Shia sources in narrating the reports of the death of Imam Sajjad (PBUH)

Abbas Mirzaei¹

Received: 2021/12/11 | Accepted: 2022/02/19

Abstract

(DOI): [10.22034/SKH.2022.12579.1269](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12579.1269)

Original Article

P 7 - 26

There are many reports about the time of Imam Sajjad's death in Shia and Sunni sources; In such a way that this issue has the biggest difference compared to other imams. This matter applies not only to the year, but also to the month and day of death. There are about twenty reports about this in Shia (Imami, Zaidi and Ismaili) and Sunni sources. In addition, the cause of death is another controversial issue about Imam Sajjad (PBUH). The question is: which reports are the most repeated and famous in these sources? What is the meaningful relationship between them? Is it possible to present an idea about the reason for the death of him based on historical evidence? Analysis of the reports shows that the lunar year 94 in the Sunni sources, the lunar year 95 in the Shia sources and Muharram-ul-Haram are famous in both groups. It is not possible to know about the day of death. But in Shiite sources, 25th of Muharram has been given more attention. Although there is no direct historical report about the cause of death, But based on the historical course of Umayyad interactions with Imam Sajjad (PBUH), martyrdom is more likely.

Keywords: : history of Ahl al-Bayt, history of Imam Sajjad (PBUH), death of Imam Sajjad (PBUH).

1- Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. a_mirzaei@sbu.ac.ir



بررسی تطبیقی منابع اهل سنت و شیعه در نقل گزارش‌های تاریخ رحلت امام سجاد(ع)

عباس میرزایی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2022.12579.1269

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۲۶/۷

چکیده

گزارش‌های فراوانی درباره زمان رحلت امام سجاد(ع) در منابع شیعه و اهل سنت آمده است؛ به گونه‌ای که این موضوع، نسبت به امامان دیگر، بیشترین اختلاف را دارد. این مسئله نه تنها درباره سال، بلکه درباره ماه و روز رحلت نیز صدق می‌کند. حدود ۲۰ گزارش درباره این مسئله در منابع تاریخی و رجال شیعه (امامی، زیدی و اسماعیلی) و اهل سنت آمده است. افزون بر این، علت رحلت هم موضوع اختلافی دیگری درباره امام سجاد(ع) است. پرسش این است که در این منابع، چه گزارش‌هایی بیشترین تکرار و شهرت را دارند؟ چه رابطه معناداری میان آنهاست؟ آیا بر اساس شواهد تاریخی می‌توان ایده‌ای درباره علت رحلت حضرت ارائه کرد؟ بررسی گزارش‌ها نشان می‌دهد که سال ۹۴ قمری در منابع اهل سنت، سال ۹۵ قمری در منابع شیعه و محرم-الحرام در هر دو گروه شهرت بیشتری دارند. درباره روز رحلت هم نمی‌توان به نظری دست یافت. ولی در منابع شیعی روز ۲۵ محرم توجه بیشتری شده است. درباره علت رحلت گرچه گزارش تاریخی مستقیمی در اختیار نیست؛ ولی براساس سیر تاریخی تعاملات امویان با امام سجاد(ع)، شهادت احتمال بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: تاریخ اهل بیت(ع) تاریخ امام سجاد(ع) رحلت امام سجاد(ع)

^۱. دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران، a_mirzaei@sbu.ac.ir



مقدمه

درباره زندگی امام سجاده(ع) پرسش‌های فراوانی مطرح است که پاسخ به آنها تسلط بیشتری را بر سیر تاریخی زندگی امام سجاده(ع) فراهم می‌کند. یکی از این پرسش‌ها درباره زمان رحلت است. منابع تاریخی و رجال شیعه - با گرایش‌های گوناگون - و اهل سنت، زمان‌های زیادی را برای رحلت امام سجاده(ع) مطرح کرده‌اند. درباره سال رحلت، از سال ۹۰ تا ۱۰۰، زمان‌هایی است که در منابع شیعه و سنی، در دوازده گزارش با پراکندگی معنایی در هفت گزارش، مطرح شده است. درباره ماه رحلت سه گزارش ذی‌الحجه، محرم و ربیع‌الاول و روز رحلت، هشت گزارش تا سده‌های میانی در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است. درباره علت رحلت هم گفتگوهایی در هر دو دسته مطرح است؛ مبنی بر اینکه حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته یا به شهادت رسیده است. این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که کدام یک از این زمان‌ها، بیشترین فراوانی را در منابع دارند. از نظر سندی و شهرت، وضعیت آنها چگونه است؟ منابع شیعی و سنی در این باره چقدر هم‌پوشانی و یا اثرپذیری دارند؟ چه مباحثی درباره علت رحلت حضرت مطرح شده و کدام را می‌توان ترجیح تاریخی داد؟

به نظر می‌رسد درباره سال رحلت امام سجاده(ع) نمی‌توان به گزارش مشترکی در منابع شیعه و اهل سنت رسید. ولی بیشترین فراوانی در هر دوی آنها به نیمه دهه پایانی سده نخست (سال ۹۴ق) بنابر گزارش‌های منابع اهل سنت، و سال ۹۵ قمری بنابر گزارش‌های منابع شیعی، اشاره دارند. درباره ماه رحلت، محرم بیشترین فراوانی را دارد. ولی درباره روز رحلت در منابع اهل سنت نمی‌توان به جمع‌بندی خاصی رسید. اما در منابع شیعه، روز ۲۵ محرم بیشترین فراوانی را دارد. درباره علت رحلت، منابع اهل سنت ساکت هستند. ولی جریان‌های حدیثی شیعه قائل به شهادت و جریان‌های عقل‌گرا، قائل به مرگ طبیعی هستند. ولی مناسبات امویان با امام سجاده(ع) به گونه‌ای است که فرضیه شهادت قوی‌تر است.

طبیعتاً همه منابعی که درباره تاریخ زندگی امام سجاده(ع) بحث کرده‌اند، به این موضوعات - به صورت جسته و گریخته - اشاره کرده‌اند. ولی اینکه یک اثر پژوهشی مستقل به بررسی این گزارش‌ها پرداخته باشد - بنابر آنچه نویسنده جستجو کرده - یافت نشد. تنها در کتاب *بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان* از یدالله مقدسی به طور خاص در بخش امام سجاده(ع) به این موضوع پرداخته است. (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۷-۳۴۷)

وی در این کتاب گزارش‌ها را بیشتر به صورت نامرتب و بدون تفکیک در منابع شیعه و اهل

سنت، جمع‌آوری کرده است. ولی به برخی گزارش‌ها مانند گزارش رحلت حضرت در سال ۹۰ قمری (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۷) توجه نکرده است. یا اینکه رحلت در سال ۱۰۰ قمری را منفرد و تنها از یعقوبی گزارش کرده است؛ حال آنکه از اقوالی قدیمی است که از مدائنی در منابع مختلف گزارش شده است. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) همچنین توجیهاتی بدون پایه مطرح کرده است؛ مانند اینکه در منابع اهل سنت فرقی میان سال ۹۴ و ۹۵ قمری نیست و این اختلاف به خاطر تغییر مبنای محاسبه سال قمری صوری است؛ (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۸) یا اینکه برای نشان دادن نظر خود دست به گزینش منابع زده است. برای نمونه برای نشان دادن درستی سال ۹۵ قمری به روایت امام صادق (ع) به نقل از ابابصیر در کلینی اشاره کرده است.

وی این گزارش را از این جهت درخور دانسته که به امام معصوم ختم می‌شود و اینکه ابن سعد گفته: «خاندان و شهروندان او به این موضوع آگاه‌ترند». (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۹) حال آن که در منابع حدیثی اهل سنت، حدیثی از امام صادق (ع) به نقل از امام باقر (ع) - آن هم با دو طریق روایی، یکی از سفیان بن عیینه (بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) و دیگری از سلیمان بن بلال (م. ۱۷۲ ق.) - (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴) سال رحلت امام سجاد (ع) را ۹۴ قمری گزارش کرده است. البته به این گزارش توجه نشده است؛ یا اینکه بر خلاف معیارهای مشخص - شده پیش رفته‌اند. مثلاً در بحث روز رحلت، به نظر شیخ مفید استناد می‌کند؛ چراکه به منابع معتبر و زمان ائمه نزدیک‌تر بوده است؛ (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۴۲) حال آنکه از میان اقوال مختلف درباره روز رحلت، تنها نظری که صاحب آن مشخص است و راوی آن در دوران حیات امام کاظم (ع) بوده، نظر یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی (م. حوالی ۱۸۰ ق.) است (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹؛ ذهبی، ۱۹۶۱: ج ۱، ص ۱۱۱) که از نزدیکان اهل بیت هم به شمار می‌رود.

به هر حال اهمیت این مسئله از این جهت است که رخدادهای سیاسی و اجتماعی فراوانی در دهه پایانی سده نخست به وقوع پیوسته است. ارتباط تاریخی و معرفتی میان این حوادث و امام سجاد (ع) و تحلیل این ارتباطات مسئله‌ای مهم در تاریخ زندگی ایشان است. همچنین فهم و انتساب برخی گزارش‌های سیره‌ای حضرت، به آگاهی از زمان رحلت ایشان وابسته است. بر اساس نتایج این بحث می‌توان به بخشی از پرسش‌ها درباره تاریخ و سیره پاسخ داد و تحلیل دقیق‌تری مطرح کرد. برای مثال درباره وضعیت رحلت یا شهادت امام سجاد (ع)، ارتباطات امام با مشایخ و شاگردان و عالمان مدینه مهم است. درواقع حل این مسئله به ارائه سیر زندگی امام

سجاد(ع) در دهه آخر سده نخست نیاز دارد؛ چراکه ارائه یک تاریخ مشخص و نزدیک به واقع از رحلت امام سجاد(ع) برای منظم کردن گزارش‌ها و پیشگیری از خطاهایی که در توصیف و تحلیل مباحث مرتبط با امام بوده امری شایسته و قابل توجه است. در هر صورت این مقاله پس از بررسی سال رحلت امام سجاد(ع) در منابع شیعه و اهل سنت، به بررسی ماه و روز رحلت ایشان خواهد پرداخت. در پایان مقاله هم درباره شهادت یا عدم شهادت حضرت بحث شده است. منابع اهل سنت هیچ یک به شهادت اشاره نکرده‌اند. ولی در منابع شیعی از سده چهارم به بعد به این موضوع اشاره شده است. شواهد تاریخی از سیر مناسبات امویان و امام سجاد(ع)، شهادت حضرت را طبیعی‌تر می‌داند.

سال رحلت امام سجاد(ع)

بررسی منابعی از اهل سنت تا سده پنجم که به تاریخ رحلت امام سجاد(ع) اشاره کرده‌اند نشان می‌دهد سال‌های ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۹ و ۱۰۰ هجری را سال رحلت امام سجاد(ع) گزارش کرده‌اند. نخستین گزارش، سال ۹۲ قمری است. ابونعیم فضل بن دکین(م. ۲۱۸ق.)، (ابن سعد، ۱۹۳۰: ۵، ص ۲۲۱؛ بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲؛ خلیفه، بی تا: ص ۲۳۶؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۳؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) علی بن مدینی(م. ۲۳۴ق.)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۳؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) ابن ابی شیبه(م. ۲۴۵ق.) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) و قعب بن محرر باهلی(نیمه دوم سده سوم) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) نخستین محدثان و مورخان از اهل سنت هستند که تراجم‌نگاران سال ۹۲ را از طریق آنها به صورت مسند گزارش کرده‌اند. برخی از شاخص‌ترین منابع تراجم‌نگاران اهل سنت در سده سوم این گزارش را نقل کرده‌اند.^۲

۲. از این دست منابع می‌توان به ابن سعد(م. ۲۳۰ق.) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) ابن ابی شیبه کوفی(م. ۲۳۵ق.) (ابن ابی شیبه کوفی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۵۰) خلیفه بن خیاط(م. ۲۴۰ق.) (خلیفه، بی تا: ص ۲۳۶) و بلاذری(م. ۲۷۹ق.) (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۳، ص ۱۴۶) اشاره کرد. گفتنی است ابن حبان(م. ۳۵۴ق.) (ابن حبان، ۱۳۹۳: ج ۵، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ ابن حبان، ۱۴۱۱: ص ۱۰۴؛ ابن عبدالبر اندلسی(م. ۴۶۵ق.) (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸) نیز منابعی هستند که به رحلت حضرت در سال ۹۲ اشاره کرده‌اند.

دومین گزارش منابع اهل سنت سال ۹۳ است که ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق) با عنوان «قیل» آورده است. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸) در دوره‌های بعد منابع دیگر صاحب این قول را معن بن عیسی قزاز (م. ۱۹۸ق) معرفی کرده‌اند. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) بنابر گزارش‌های موجود ظاهراً وی اولین گزارشگر سال رحلت امام سجاد (ع) در سال ۹۳ است. البته معن به اقوال دیگر آشنایی داشته و خود گزارش کرده که برخی دیگر از تراجم‌نگاران سال‌های ۹۴ یا ۹۵ را برای رحلت امام ذکر کرده‌اند. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) به غیر از ابن عبدالبر که با عنوان تضعیف‌شده «قیل» از این نظر یاد می‌کند، در نیمه نخست سده سوم نیز یحیی بن معین مورخ (م. ۲۳۳ق) نیز این قول را گزارش کرده که خبر آن در منابع سده هشتم وارد شده است. (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹)

سومین و معروف‌ترین گزارش اهل سنت در باب رحلت علی بن حسین (ع) سال ۹۴ است. این قول به صورت‌ها و عبارت‌های گوناگون در منابع اصلی اهل سنت تا سده پنجم نقل شده است.^۳ منابع اهل سنت این گزارش را به فراوانی از محدثین و مورخین سده دوم و سوم گزارش کرده‌اند. از بزرگان سده دوم می‌توان به علی بن عبدالله تمیمی (نیمه اول قرن دوم)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) محمد بن علی بن حسین (ع) (م. ۱۱۴ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) حسین بن علی بن حسین (م. ۱۵۷ق)، (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) جعفر بن محمد بن علی (ع) (۱۴۸ق)، (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) عبدالحکیم بن عبدالله بن اُبی فروة (م. ۱۵۶ق) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۲) و عبدالله بن نمیر (م. ۱۹۹ق) (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۹؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶) اشاره کرد. از بزرگان سده سوم هم می‌توان به: واقدی (م. ۲۰۷ق)،^۴ علی

^۳ . برخی از این منابع از این قرارند: ابن سعد (م. ۲۳۰ق) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱)؛ خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق) (خلیفه، بی تا: ص ۲۳۶)؛ احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) (احمد بن حنبل، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۴۷۱-۴۷۲)؛ ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق) (ابن قتیبه، ۱۹۶۹: ص ۲۱۴-۲۱۵)؛ بلاذری (م. ۲۷۹ق) (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۳، ص ۱۴۶ و هم چنین ج ۱۰، ص ۲۳۷-۲۳۸)؛ طبری (م. ۳۱۰ق) (طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳)؛ ابن حبان (م. ۳۵۴ق) (ابن حبان، ۱۳۹۳: ج ۵، ص ۱۵۹-۱۶۰)؛ ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق) (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸)؛ رک: ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۹).

^۴ . بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱۰، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ البته واقدی خود این گزارش

بن جعفر بن محمد (م. ۲۱۰ق)، (بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴ و ص ۴۱۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) یحیی بن بکیر (م. ۲۳۱ق)^۵ یحیی بن معین (م. ۲۳۳ق) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۱) مصعب بن عبدالله زبیری (م. ۲۳۳ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶) ابوعبید قاسم بن سلام (م. ۲۴۴ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۹) ابوحفص فلاس (م. ۲۴۹ق) (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۵؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) و زبیر بن بکار (م. ۲۵۶ق)^۶ اشاره کرد.

سه گزارش کم‌بازخورد نیز درباره سال رحلت علی بن حسین (ع) در منابع اهل سنت گزارش شده است که چندان مورد توجه نیست: یکی سال ۹۵ قمری است. راوی این قول عبدالله بن بکیر (م. ۲۳۱ق) است. وی دو گزارش درباره سال رحلت امام سجاد (ع) نقل کرده است. یکی همان سال ۹۴ قمری است و دیگری سال ۹۵ هجری. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) این گزارش را محمد بن یحیی الذهلی (م. ۲۵۸ق) نیز از قول ابن بکیر گزارش کرده است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴) گفتنی است برخی از منابع هم تنها نقل ابن بکیر در سال ۹۵ هجری را گزارش کرده‌اند. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) گزارش دوم هم سال ۹۹ قمری است که آن را ابن حبان (م. ۳۵۴ق) بدون سند گزارش کرده است. (ابن حبان، ۱۳۹۳: ج ۵، ص ۶۳) ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق) با عبارت «یقال» از آن یاد کرده است. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸) آخرین گزارش هم سال ۱۰۰ قمری است که علی بن محمد مدائنی (م. ۲۲۴) نقل کرده است. همو افزوده است که برخی سال رحلت را ۹۹ هجری دانسته‌اند. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴)^۷ برخی منابع هم تنها گزارش سال صد هجری را به وی منسوب دانسته‌اند؛ (ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷،

سال ۹۴ قمری را از ابن ابی‌فروه (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) و حسین بن علی، فرزند امام سجاد (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) گزارش کرده است.
^۵ البته یحیی بن بکیر کنار سال ۹۴ قمری سال ۹۵ قمری هم نقل کرده است. در این باره رک: ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴)
^۶ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ زبیر بن بکار احتمال این گزارش را از عموی خود، مصعب بن عبدالله زبیری، (رک: ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۵۸، ص ۲۵۳) نقل کرده است.

ص ۲۷۰) قولی که با نقد ذهبی روبروست.^۸

درباره دو گزارش اخیر، باید گفت که شاهی وجود دارد و آن اینکه نقل کرده‌اند امام هنگام بیماری محمد بن زید بن اسامه نزد وی بوده است. ظاهراً این بیماری هنگام مرگ وی بوده است؛ چراکه محمد برای پرداخت بدهی‌های خود گفتگوی وصیت‌گونه‌ای دارد و برخی از منابع (کلینی) صراحتاً اشاره کرده که محمد در حالت احتضار بوده است. از سوی دیگر درباره سال رحلت محمد هم گفته شده که وی در دهه نود هجری (صفدی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۳۱؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۵۴) در ایام خلافت ولید بن عبدالملک (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۴۶؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۵، ص ۲۱) در سال ۹۶ قمری (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۵، ص ۲۱؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۷۹ و ۴۴۶) از دنیا رفته است. بر این اساس، اگر این گزارش درست باشد، امام سجاد پس از سال ۹۶ قمری از دنیا رفته است. بنابراین گزارش‌هایی که سال رحلت امام سجاد (ع) را پس از سال ۹۶ بیان کرده‌اند می‌توانند از این گزارش تاریخی به عنوان یک شاهد استفاده کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد منابع اهل سنت، خود، به وجود اختلاف در سال رحلت امام سجاد (ع) اشاره کرده‌اند؛ ولی به دو زمان، یعنی ۹۲ و ۹۴ بیشترین توجه را کرده‌اند. میان این دو گزارش سال ۹۴ دارای جایگاه بالاتری است. گزارشی که به فراوانی در منابع تاریخی و رجالی اهل سنت، چه با ذکر راوی و یا بدون آن، در سده‌های گوناگون، تکرار شده است. همچنین تراجم‌نگارانی از اهل سنت که به گزارش‌های مختلف اشاره کرده‌اند، خود به صحیح بودن سال ۹۴ اعتراف دارند. مثلاً ابن سعد (م. ۲۳۰ق) با دو سند سال رحلت را ۹۴ نقل می‌کند. وی وقتی گزارش ابونعیم فضل بن دکین را ۹۴ بودن سال رحلت امام بیان می‌کند، آن را نقد می‌کند و می‌گوید که این نظر خلاف آن چیزی است که خانواده یا اهل بلد علی بن حسین (ع) نقل کرده‌اند. (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) ابن سعد (م. ۲۳۰ق) معتقد است خانواده یک شخص و یا اهل شهر اطلاعات قابل رجوع‌تری درباره هر فرد دارد.^۹

بنابر این معیار چندین نفر از خانواده امام سجاد (ع) سال رحلت ایشان را ۹۴ قمری بیان کرده‌اند. دو فرزند امام سجاد (ع)، امام باقر (ع. ۱۱۴م) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛

^۸. (وأغرب المدائنی فی قوله : إنه توفي سنة تسع وتسعين والله أعلم)؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲.
^۹. ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن نظر ابن سعد را منابع تراجم‌نگاری دیگر اهل سنت تکرار کرده‌اند. ر.ک: ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۴.

بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) و حسین بن علی بن حسین (م. ۱۵۷ق.)،^{۱۰} امام صادق ع (م. ۱۴۸ق.)، نوه امام (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) و نبیره ایشان، علی بن جعفر بن محمد (م. ۲۱۰ق.) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴ و ص ۴۱۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) سال ۹۴ قمری را زمان رحلت امام سجاد (ع) دانسته‌اند. به نظر می‌رسد تا سده پنجم این قول، رأیی مشهور در تاریخ تراجم‌نگاری اهل سنت بوده است. از این رو ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق.) آن را قول بیشتر تراجم‌نگاران تا سده پنجم معرفی می‌کند. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸) افزون بر این سال ۹۴ در زبان محدثین و تراجم‌نگاران اهل سنت به سنه الفقه‌ها معروف است. در این سال چند نفر از فقهای مشهور مدینه از دنیا رفتند.^{۱۱} همه منابعی که از سنه الفقه‌ها و فقهای مرحوم صحبت کرده‌اند به نام علی بن حسین - نیز اشاره کرده‌اند.^{۱۲} ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.) و ذهبی (م. ۷۴۸ق.) سال ۹۴ قمری را قول مشهور تراجم‌نگاران اهل سنت می‌دانند. (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲) در مقابل، سال رحلت امام سجاد (ع) در منابع شیعی، اعم از امامی و غیر امامی، وضعیت دیگری دارد. وجه مشترک همه آنها از نظر سند، به غیر از اربلی (م. ۶۹۳ق.)،^{۱۳} مرسل بودن و نداشتن طریق روایی است. یعقوبی (م. ۲۸۴ق.)، سال‌های ۹۹ و ۱۰۰ قمری را برای رحلت امام سجاد (ع) ذکر کرده است. (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۳) او احتمالاً این گزارش را از علی بن محمد مدائنی (م. ۲۲۴ق.) نقل می‌کند؛ زیرا وی تنها مورخی است که دو نظر ۹۹ و ۱۰۰ را جزء سال‌های رحلت امام سجاد (ع) نام برده است. (در این باره رک: ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶)

^{۱۰} ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹)
^{۱۱} طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳؛ ابن فقها عبارتند از: عروه بن زبیر، سلیمان بن یسار، سعید بن المسیب، وأبو بکر بن عبدالرحمن اشاره کرد. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۶۶، ص ۳۸). ذهبی نیز ابوسلمه بن عبدالرحمان، مالک بن ارث سلمی، ربیع بن عبدالله بن هدیر و تمیم بن طرفه را نیز به این سیاهه اضافه کرده است. ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۶، ص ۲۶۰؛ البته چنان که ذهبی اشاره کرده، در سال مرگ برخی از اینها اختلافاتی گزارش شده است.
^{۱۲} برخی از این منابع تا حوالی سده پنجم از این قرارند: ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۴۷۱-۴۷۲؛ بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۷۰؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱۰، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸.
^{۱۳} بین منابع شیعی اربلی تنها گزارشگری است که سال رحلت امام سجاد را با نقل سند روایی و از طریق ابن ابی-فروه، عبدالحکیم بن عبدالله بن ابی‌فروه (م. ۱۵۶ق.) گزارش کرده است. (اربلی، ۱۹۸۵: ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۳). گفتنی است که این گزارش ابن ابی‌فروه را ابن سعد (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) در منابع نخستین اهل سنت گزارش کرده‌اند.

از سوی دیگر گزارش‌هایی از اثرپذیری یعقوبی از مدائنی نقل شده است. (بارتولد، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۴۳)

دیگر منابع شیعی، از قرن سوم تا هشتم، بیشتر به سال ۹۵ قمری تصریح کرده‌اند.^{۱۴} این گزارش در منابع اهل سنت به صورت نادر نقل شده است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴: مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۴) از طرفی، گزارش سال ۹۴ قمری که در منابع اهل سنت به- فراوانی نقل شده، در منابع شیعی توجه خاصی به آن نشده است. تنها ابومحمد نوبختی (م. ۳۱۰ق) و قاضی نعمان مغربی (م. ۳۶۳ق) - که در سده چهارم قرار دارند- سال رحلت امام سجاد (ع) را ۹۴ قمری گزارش کرده‌اند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۵۳؛ قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۷۵) برخی منابع شیعی هم دو گزارش و ۹۵ را با هم ذکر کرده‌اند که می‌توان به یعقوبی (م. ۲۸۴ق)، (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۳) محمد بن حسن قمی (م. ۳۷۸ق)، (قمی، بی تا: ص ۱۹۶-۱۹۷) شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۳۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۰: ص ۴۷۲؛ شیخ مفید، ۱۹۹۳: ص ۴۵) و اربلی (م. ۶۹۳ق) (اربلی، ۱۹۸۵: ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۳ و ج ۲، ص ۲۹۵) اشاره کرد. قول منفردی در سده هفتم هم سال ۹۰ قمری را گزارش کرده است. (موصلی، ۱۴۲۴: ص ۱۱۵) گزارشی که در منابع اهل سنت هم هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. همچنین در منابع شیعه هیچ گزارشی از رحلت امام سجاد (ع) در سال ۹۲ یا ۹۳ قمری نیست.

بررسی روایت‌های امامیه نشان می‌دهد که درباره سال رحلت امام سجاد (ع) یک گزارش از امام صادق (ع) در منابع حدیثی امامیه آمده است. این گزارش که آن را ابی‌بصیر نقل کرده، سال رحلت را ۹۵ قمری بیان کرده است. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۶۸) در مقابل، منابع اهل سنت حدیثی از امام صادق (ع)، به نقل از امام باقر (ع)، گزارش کرده‌اند که ایشان سال رحلت امام سجاد (ع) را ۹۴ قمری می‌دانند. این روایت را اهل سنت از دو طریق روایی، یکی از سفیان بن عیینه (بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) و دیگری از سلیمان بن بلال (م. ۱۷۲ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴) نقل کرده‌اند. بنابراین از دو گزارش سال ۹۴ و ۹۵ در منابع شیعه و اهل

^{۱۴} . قاسم رسی (م. ۲۵۶ق). (قاسم رسی، ۱۹۸۸: ص ۶۹)؛ کاتب بغدادی (م. ۳۲۲ق). (کاتب البغدادی، ۱۴۰۶، ص ۸-۹)؛ شیخ کلینی (م. ۳۲۴ق). (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۶۶)؛ مسعودی (م. ۳۴۶ق). «و يقال ۹۴ ق.» (مسعودی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۶۰)؛ شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق). (شیخ طوسی، ۱۳۶۴: ج ۶، ص ۷۷)؛ حسین بن عبدالوهاب (ق. پنجم) (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹: ص ۶۵)؛ فتال نیشابوری (م. ۵۰۸ق). (فتال نیشابوری، بی تا، ص ۲۰۱)؛ طبرسی (م. ۵۴۷ق). (طبرسی، ۱۴۰۶: ص ۳۷-۳۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۷۱)؛ ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق). (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۱۰-۳۱۱)؛ علامه حلی (م. ۷۲۶ق). (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳).

سنت نمی‌توان هیچ‌یک را برتر دانست.

ماه رحلت امام سجاد(ع)

منابع اهل سنت به ماه یا روز رحلت امام سجاد(ع) توجه زیادی نکرده‌اند. تنها سه گزارش محرم، ربیع‌الاول و ذی‌الحجه گزارش شده است. گزارش محرم بلاذری(م.۲۷۹ق) از واقدی(م.۲۰۷ق) نخستین این گزارش‌هاست (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱۰، ۲۳۷-۲۳۸) که طبری(م.۳۱۰ق) نیز آن را نقل کرده است. (طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳) برخی منابع سده هشتم و نهم، مانند ابن کثیر(م.۷۷۴ق) (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲) و ابن صباغ مالکی(م.۸۵۵ق) (ابن صباغ، ۱۴۲۲: ص ۸۷۳-۸۷۴) به آن توجه کرده‌اند. دومین گزارش مربوط به ذهبی(م.۷۴۸ق) است. وی از قول یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی(م. ۱۸۰ق)، گزارش کرده که امام در چهاردهم ربیع‌الاول از دنیا رفته است. (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹؛ ذهبی، ۱۹۶۱: ج ۱، ص ۱۱۱) البته ذهبی برای این گزارش طریق روایی نقل نمی‌کند و تنها آن را به یحیی بن عبدالله منسوب می‌کند. سومین گزارش برای حمدالله مستوفی(م.۷۵۰ق) است که وی روز و ماه رحلت امام سجاد(ع) را در ذی‌الحجه معرفی می‌کند. (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ص ۲۰۲)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که قول واقدی (محرم) تنها قولی است که در منابع تاریخی اهل سنت تکرار شده است و دو قول دیگر تقریباً بدون تکرار و تنها گزارشی از سوی ذهبی و حمدالله مستوفی در نیمه سده هشتم است.

برابر منابع اهل سنت که سه گزارش درباره ماه رحلت امام سجاد(ع) نقل کرده‌اند، منابع شیعی، بر رحلت حضرت در ماه محرم اتفاق دارند.^{۱۵} هیچ یک از این منابع به گزارش ربیع‌الاول و ذی‌الحجه استناد نکرده‌اند. فقط در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که شب رحلت امام سجاد(ع)، همان شب رحلت پیامبر است. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۵۹) از سویی رحلت پیامبر در ۲۸ صفر است. حدیثی که در هیچ یک از گزارش‌های مرتبط با موضوع، انعکاسی نداشته است. به هر حال

^{۱۵} . قاسم رسی(م.۲۴۶ق) (قاسم رسی، ۱۹۸۸: ص ۶۹)؛ نویختی، ۱۴۱۴: ص ۵۳؛ قاضی نعمان(م.۳۶۳ق) (قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۷۵)؛ حسن بن محمد قمی(م.۳۷۸ق) (قمی، بی تا: ص ۱۹۶-۱۹۷)؛ شیخ مفید(م.۴۱۳ق) (شیخ مفید، ۱۹۹۳: ص ۴۵)؛ فتال نیشابوری(م.۵۰۸ق) (فتال نیشابوری، بی تا: ص ۲۰۱)؛ طبرسی(م.۵۴۷ق) (طبرسی، ۱۴۰۶: ص ۳۷-۳۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۷)؛ ابن شهر آشوب(م.۵۸۸ق) (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳: ص ۳۱۰-۳۱۱).

این اجماع بر محرم برای رحلت امام سجاده(ع) میان شیعیان، شاید بی‌ارتباط با حضور امام سجاده(ع) در واقعه عاشورا نباشد. البته در منابع اهل سنت هم قدیمی‌ترین برای بلاذری(م.۲۷۹ق) از قول واقدی(م.۲۰۷ق) است (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱۰، ۲۳۷-۲۳۸) که محرم را ماه رحلت امام می‌دانند.

روز رحلت امام سجاده(ع)

منابع اهل سنت سه گزارش درباره روز رحلت امام سجاده(ع) مطرح کرده‌اند. اولین گزارش از ذهبی(م.۷۴۸ق) است. وی از قول یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی(م. ۱۸۰ق)، گزارش کرده که امام در شب سه‌شنبه چهاردهم ربیع‌الاول از دنیا رفته است. (ذهب، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۹؛ ذهبی، ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۱۱۱) دومین گزارش از حمدالله مستوفی(م.۷۵۰ق) است که وی روز رحلت امام را دوشنبه، هفتم ذی‌الحجه معرفی می‌کند؛ (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ص ۲۰۲) سومین گزارش در سده نهم هجری از ابن صباغ مالکی(م.۸۵۵ق) است که روز دوازدهم محرم را گزارش کرده است. (ابن صباغ، ۱۴۲۲: ص ۸۷۳-۸۷۴)

منابع شیعی، تا سده‌های میانه، پنج گزارش را روایت کرده‌اند که همگی روزهایی در ماه محرم است. قدیمی‌ترین و پرتکرارترین گزارش، ۲۵ محرم است که قاسم رسی(م.۲۴۶ق) (قاسم رسی، ۱۹۸۸: ص ۶۹)، شیخ مفید(م.۴۱۳ق) (شیخ مفید، ۱۹۹۴: ص ۴۵) و فتال نیشابوری(م.۵۰۸ق) (فتال نیشابوری، بی تا: ص ۲۰۱) گزارش کرده‌اند.

چهار گزارش دیگر از طبرسی(م.۵۴۷ق) و ابن شهرآشوب(م.۵۸۸ق) است. طبرسی دهم (طبرسی، ۱۴۰۶: ص ۳۷-۳۸) و دوازدهم محرم (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۷۱) و ابن شهرآشوب هجده یا نوزدهم محرم را روایت کرده‌اند. (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۱۰-۳۱۱) گفتنی است که گزارش دوازدهم محرم طبرسی تنها گزارشی است که در منابع اهل سنت از منابع شیعه درباره روز رحلت، آن هم در منبعی در سده نهم، (ابن صباغ، ۱۴۲۲: ص ۸۷۳-۸۷۴) انعکاس یافته است. از این رو احتمالاً گزارش ۲۵ محرم مهم‌تر است.

علت رحلت

درباره علت رحلت امام سجاده(ع) در منابع شیعه و اهل سنت اختلاف است. هیچ‌یک از منابع اهل سنت که پیش‌تر گفته شد، درباره مرگ غیرطبیعی حضرت، گزارشی نداده‌اند. ولی در منابع

شیعه از سده چهارم به بعد، گزارش‌هایی است که گفته شده که امام (ع) به دست ولید بن عبدالملک با سم به شهادت رسیده است. ظاهراً شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) (شیخ صدوق، ۱۹۹۳: ص ۹۸) اولین بار این گزارش را نقل کرده است. پس از وی ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق) به نقل از شیخ صدوق، (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۱۱) محمد بن جریر طبری شیعی، (محمد بن جریر طبری شیعی، ۱۴۱۳: ص ۱۹۲) حاتم شامی (م. ۶۶۴ق) (حاتم شامی، بی تا: ص ۵۹۱) سبزواری، (سبزواری، ۱۹۹۳: ص ۸۶) سیدحیدر آملی (م. ۷۸۲ق) (آملی، ۱۴۲۸: ص ۵۴۰) این گزارش را تکرار کرده‌اند. در مقابل، برخی بزرگان امامیه شهادت امام سجاد(ع) و مسمومیت ایشان به دست ولید بن عبدالملک را گزارش نکرده‌اند و قائل به رحلت حضرت هستند. از این میان می‌توان به شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) و (شیخ مفید، ۱۹۹۳: ص ۴۵) شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) (شیخ طوسی، ۱۹۹۱: ص ۷۸۷) اشاره کرد. حتی در دعاها هم به شهادت ایشان اشاره نکرده‌اند و تنها با عبارتی مانند «وضاعف العذاب علی من ظلمه» به مذمت مخالفان و دشمنان حضرت پرداخته‌اند.^{۱۶} با این حال همین عبارت شیخ مفید را سید بن طاووس (م. ۶۶۴ق) به گونه دیگر آورده و با اضافه کردن عبارت «وضاعف العذاب علی من شرک فی دمه» شهادت حضرت را نشان داده است. (سید بن طاووس، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۱۴). حال آنکه عبارت اضافه‌شده در هیچ یک از مصادر قبل و بعد از سید بن طاووس نقل نشده است. البته بررسی روند مناسبات امویان با امام سجاد(ع)، احتمال شهادت را تقویت می‌کند.

به نظر می‌رسد آغاز تقابلات بنی‌امیه با امام از اواخر دوره عبدالملک است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند که رویکرد عبدالملک با امام از دوره‌ای به بعد تغییر کرد؛ دوره‌ای که احتمالاً از اوایل دهه هشتاد و بعد از جمع شدن فتنه ابن زبیر (م. ۷۲ق) است؛ چراکه امویان از خطر زبیریان آسوده شده و نیازی به تعامل و جلب رضایت علویان نداشتند. از این رو هر دو گروه (علویان و زبیریان) را دشمن داشته و تحت نظر و فشار قرار دادند. ولی احتمال قوی‌تر این است که آغاز این رویارویی از اوایل دهه نود هجری است؛ دوره‌ای که با مرگ محمد بن حنفیه

^{۱۶} . متن کامل عبارت این گونه است: «اللهم صل علی علی بن الحسین إمام المسلمین ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه» این عبارت فرازی از دعایی است که شیخ مفید در بابی با عنوان «باب شرح الصلاة علی النبی والأئمة علیهم السلام» آورده است (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ص ۳۳۱) و از آنجا در منابع دیگر در قرون متعددی تکرار شده است. مانند: شیخ طوسی، ۱۹۹۱: ص ۶۲۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۱۲۰؛ فتال نیشابوری، بی تا: ص ۳۲۴؛ کفعی، ۱۹۸۳: ص ۶۲۹؛

در سال ۸۱ یا ۸۲ قمری و رهبری شیعیان از سوی امام سجاد(ع) آغاز شد. عبدالملک از امام سجاد(ع) می‌خواهد که شمشیر رسول الله را برای او بفرستد؛ شمشیری که در نگاه شیعیان از علائم امامت و رهبری است و در اختیار امام سجاد(ع) بوده است. (صفار، ۱۴۰۴: ص ۱۹۴-۲۱۰) این درخواست عبدالملک با واکنش امام روبرو شد و عبدالملک در نامه‌ای حضرت را تهدید کرد و وعده داد که مقرریش از بیت المال را قطع خواهد کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۰۲-۳۰۳) همین نگرانی‌های عبدالملک باعث شد که سرانجام - احتمالاً در اوایل دهه نود - امام را به شام احضار کند. مأموران عبدالملک به دستور وی امام را با چندین نگهبان از مدینه به شام بردند. زهری(م. ۱۲۴ق)، از شاگردان و درباریان معروف اموی، واسطه امام و عبدالملک شد و به عبدالملک گفت که علی بن الحسین(ع) آن طور که تو گمان می‌کنی نیست (یعنی در فکر به دست آوردن خلافت و فعالیت علیه حکومت نیست) و به خود و کار خویش مشغول است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۷۲-۳۷۳؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲: ص ۳۵۳-۳۵۴)

این تقابل در دوره ولید نیز ادامه پیدا کرد. او دشمنی و کینه عجیبی به امام علی(ع) و فرزندان وی داشت. از این رو سنت معاویه، یعنی لعن و دشنام علی(ع) را با جدیت ادامه داد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۵۹: ج ۴، ص ۵۸؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶: ج ۳، ص ۲۵۱) در ادامه همین دشمنی‌ها فشارهای زیادی هم بر هاشمیان وارد می‌کرد. وی حقوقی را که خلفا تا پیش از آن در حق بنی-هاشم مراعات می‌کردند نادیده گرفت و همه را قطع کرد. (ابشیهی، بی‌تا: ج ۲، ص ۷۷۹) او حسن مثنی را که فعالیت‌هایی علیه امویان داشت پس از شرکت و شکست قیام عبدالرحمان بن اشعث با سم به قتل رساند.^{۱۷} همچنین ابوهاشم(م. ۹۸ق)، فرزند محمد بن حنفیه(م. ۸۲ق) را به جرم فعالیت‌های ضد اموی محبوس(اخبار الدوله العباسیه، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۳، ص ۲۷۲-۲۷۳) و سپس او را با سم به قتل رساند.^{۱۸}

فشارهای ولید به طور خاص برای امام سجاد(ع) وجود داشت. صدقات را که یکی از مهم-ترین منابع مالی امام سجاد(ع) بود، از امام گرفت. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ص ۶۵؛ مزی، ۱۴۰۶:

^{۱۷} . (ابن عنیه، ۱۹۶۱: ۱۰۰-۱۰۱) البته اگر سال رحلت حسن مثنی ۹۷ قمری باشد(ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۳۰) ۲وی در ایام خلافت سلیمان بن عبدالملک از دنیا رفته و نه ولید بن عبدالملک. نکته‌ای که مصحح عمداً طالب در باورقی همین بخش یادآوری کرده است.

^{۱۸} . (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۳۲/۲۷۵) ناگفته نماند که گزارش‌هایی از قتل ابوهاشم به وسیله سلیمان بن عبدالملک نیز گزارش شده است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۹، ۳۷۷)

ج ۶، ص ۹۲-۹۳) تقابلات امویان با امام سجاده(ع) به جایی رسیده بود که امام از حسن مثنی دفاع می‌کرد. (شیخ صدوق، ۱۹۹۳: ص ۹۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ج ۳، ص ۳۱۱) با این حال بنای امام بر دوری از ولید بود. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۳۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۰۸)^{۱۹} سرانجام به نظر می‌رسد ولید و امویان، امام را همانند دیگر علویانی که فعالیت‌های ضد اموی داشتند، از سر راه برداشتند. از این رو احتمال شهادت امام سجاده(ع) از سوی امویان قابل توجه است.



^{۱۹} . (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ۶۵-۶۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۹۳؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ج ۴، ص ۴۸۵؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶: ج ۸، ص ۴۴) البته این گزارش به گونه دیگری در منابع تکرار شده است به این صورت که این ماجرا در دوران عبدالملک بن مروان و والیش هشام بن اسماعیل اتفاق افتاده است. (بیهقی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۳۴؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ص ۶۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۹۳؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ج ۴، ص ۴۸۵-۴۸۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۳۲۹-۳۳۰) برخی از مورخین و تراجم نگاران صورت اول، یعنی اتفاق ماجرا در دوران ولید(ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ص ۶۶) و برخی دیگر قرائت دوم(یعنی اتفاق ماجرا در دوران عبدالملک)(مزی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۹۲-۹۳) را پذیرفته اند.

نتیجه

این مقاله درباره زمان رحلت امام سجاد(ع) است. در این باره پراکندگی قابل توجهی در منابع شیعه و اهل سنت درباره سال، ماه، روز و علت رحلت حضرت دیده می‌شود. منابع اهل سنت سال‌های ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۹ و سال ۱۰۰ هجری را برای رحلت امام سجاد(ع) گزارش کرده‌اند. از لحاظ سندی گزارش سال‌های ۹۲ و ۹۴ قمری حائز اهمیت است. ولی از نظر قوت سند و شهرت گزارش، سال ۹۴ در منابع اهل سنت بسیار تأکید شده است. در مقابل، به سال ۹۴ قمری در منابع شیعی توجه خاصی نشده و تنها ابومحمد نوبختی قاضی نعمان به آن به صورت مستقل اشاره کرده است. البته برخی منابع شیعی سال ۹۴ قمری را کنار سال ۹۵ قمری به صورت مشترک گزارش کرده‌اند؛ تقریباً می‌توان گفت قولی اجماعی درباره سال ۹۴ بین شیعیان است؛ دو قول ۹۳ و ۹۰ قمری هم فقط در هر کدام از منابع اهل سنت و شیعه گزارش شده و هیچ یک، آن را در منابع خود انعکاس نداده‌اند. دو گزارش سال ۹۹ و ۱۰۰ قمری هم در هر دو تکرار شده است که آن را یعقوبی، احتمالاً از مدائنی نقل کرده و در دوره‌های بعد در منابع اهل سنت تکرار شده و البته مورد نقد قرار گرفته است.

درباره ماه و روز رحلت امام سجاد(ع) در منابع شیعه و اهل سنت پراکندگی کمتری است؛ چراکه منابع شیعی تقریباً بر ماه محرم اجماع دارند. محرم در منابع اهل سنت، قدیمی‌ترین و مستندترین قول است؛ چراکه بلاذری(م. ۲۷۹ق) از واقدی(م. ۲۰۷ق) آن را نقل کرده است. دو گزارش دیگر چهاردهم ربیع‌الاول و هفتم ذی‌الحجه است که در سده هشتم در منابع اهل سنت انعکاس یافته است. اختلاف اصلی در این قسمت درباره روز رحلت در ماه محرم است. قدیمی‌ترین گزارش در سده سوم که در منابع زیدی نقل شده و منابع سده پنجم و ششم امامی هم آن را تکرار کرده، ۲۵ محرم است. در سده پنجم، طبرسی، به دوازدهم محرم اشاره کرده که همین قول در سده نهم در منابع اهل سنت تکرار شده است. دو گزارش هجدهم و نوزدهم این شهر آشوب هم دیگر گزارش‌های منفرد منابع امامی است.

درباره علت رحلت امام بنا بر منابع اهل سنت، مرگ طبیعی پررنگ‌تر است. ولی در منابع شیعه نظرات متفاوت است. رویکرد روایی امامیه اصرار بر شهادت دارد. ولی رویکرد کلامی در مدرسه بغداد باور به مرگ طبیعی را پیگیری می‌کند. به هر حال در منابع شیعه و اهل سنت اختلاف است. منابع اهل سنت اساساً توجهی به مرگ غیر طبیعی حضرت نکرده‌اند. منابع شیعی هم دو گروه هستند. گروه نخست حدیث‌گرایان به رهبری شیخ صدوق هستند که از سده چهارم به بعد شهادت به دست ولید بن عبدالملک را مطرح می‌کنند. در مقابل، جریان‌های کلامی عقل‌گرای شیعه، مانند شیخ مفید، به مرگ طبیعی برای امام سجاد(ع) قائل شده‌اند. به نظر می‌رسد که جریان‌های حدیث‌گرا با تغییر متون ادعیه کوشیده‌اند شهادت حضرت را نهادینه کنند. البته بررسی روند مناسبات امویان با امام سجاد(ع)، احتمال شهادت حضرت را تقویت می‌کند. این روند پس از عاشورا، با رفتارهای تعامل‌گونه امویان شروع شد و به مرور به رفتارهای خصمانه رسید. این فرایند، با توجه به فشارهایی که ولید بر بنی‌هاشم و شخص امام سجاد(ع) وارد می‌کرد، احتمال شهادت را نزدیک‌تر می‌کند.

فهرست منابع

١. آملی، سیدحیدر، (١٤٢٨ق.) تفسیر المحيط الأعظم، تحقیق السيد محسن الموسوی التبریزی، چاپ الرابعة، مؤسسه فرهنگی و نشر نور علی نور، قم.
٢. ابشیمه، بی تا، المستطرف فی کل فن مستطرف، بی جا، دار ومکتبه الهلال
٣. ابن ابی الحدید(١٩٥٩م.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
٤. ابن ابی شیبۀ کوفی، عبد الله بن محمد، (١٤٠٩ق.)، **المصنف**، تحقیق سعید اللحام، بیروت، دار الفکر.
٥. ابن اثیر، عزّ الدین ابن الاثیر(١٩٦٥م.)، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر.
٦. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد ابی حاتم تمیمی(١٣٩٣ق.)، **الثقات**، بیروت، الکتب الثقافیة.
٧. -----، محمد بن حبان بن احمد ابی حاتم تمیمی(١٤١١ق.)، **مشاهیر علماء الأمصار**، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، المنصورة، دار الوفاء.
٨. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (١٤٠٤ق.)، **تهذیب التهذیب**، بیروت، دار الفکر.
٩. -----، أحمد بن علی بن حجر (١٤١٥ق.)، **تقریب التهذیب**، تحقیق عطاء، بیروت، دار الکتب.
١٠. ابن حمدون، ١٩٩٦م.، التذکره الحمدونیة، تحقیق احسان عباس و بکر عباس، چاپ اول، بیروت، دار صادر للطباعة والنشر
١١. ابن حمزة الطوسی(١٤١٢ق.) الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، چاپ دوم، قم، مؤسسه أنصاریان للطباعة و النشر.
١٢. ابن سعد، محمد بن سعد(١٩٣٠م.)، **الطبقات الكبرى**(الكبير)، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر.
١٣. ابن شهر آشوب، ابی عبد الله محمد بن علی(١٩٥٦م.)، **مناقب آل ابی طالب**، تحقیق لجنة من اساتذة النجف الاشرف، المکتبه الحیدریه.
١٤. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد أحمد، (١٤٢٢ق.) **الفصول المهمة فی معرفة الأئمة**، تحقیق سامی الغریبی، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحديث.
١٥. ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی(١٩٩٥م.)، **تاریخ مدینه دمشق**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر.
١٦. ابن عنیه، جمال الدین احمد بن علی الحسینی(١٩٦١م.)، عمدة الطالب فی انساب ال ابی طالب، تحقیق محمد حسن ال الطالقانی، نجف، منشورات المطبعة الحیدریة.
١٧. ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبد الله بن مسلم(١٩٦٩م.)، **المعارف**، تحقیق ثروت عکاشة، مصر، دار المعارف.
١٨. ابن کثیر(١٤٠٨ق.)، **البدایة و النهایة**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

١٩. احمد بن حنبل، (١٤٠٨ق.) **العلل**، تحقيق وصى الله بن محمود عباس، چاپ اول، المكتب الإسلامى، بيروت.
٢٠. أخبار الدولة العباسية، بى تا، مؤلف مجهول، تحقيق عبد العزيز الدورى و عبد الجبار المطلبى، بيروت، دار الطليعة للطباعة والنشر
٢١. اربلى، ابى الحسن على بن عيسى بن ابى الفتح (١٩٨٥)، **كشف الغمة**، دارالاضواء، بيروت.
٢٢. بارتولد، **تركستان نامه**، ترجمه، كريم كشاورز، تهران، موسسه انتشارات آگاه، ١٣٦٦.
٢٣. بخارى، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم (١٤٠٦ق.)، **التاريخ الصغير**، تحقيق محمود إبراهيم زايد، بيروت، دار المعرفة.
٢٤. بلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر (١٩٥٩م.)، **انساب الاشراف**، تحقيق حميد الله، مصر، دار المعارف.
٢٥. حسين بن عبد الوهاب، (١٣٦٩ق.) **عيون المعجزات**، الحيدريه، ناشر محمد كاظم الشيخ صادق الكتبى، نجف
٢٦. حمد الله مستوفى قزوینی (١٣٦٢ش)، **تاريخ گزیده**، باهتمام دکتر عبد الحسين نوائى، تهران، انتشارات امير كبير.
٢٧. خيلفه بن خياط، ابى عمرو خليفه بن خياط (بى تا)، **تاريخ خليفه**، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دار الفكر.
٢٨. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد (١٤٠٧ق.) **تاريخ الإسلام**، تحقيق عمر عبد السلام تدمرى، چاپ اول، بيروت، دار الكتاب العربى.
٢٩. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد (١٩٩٣م.)، سير الاعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسه الرساله.
٣٠. ----- شمس الدين محمد بن احمد (١٩٦١ق.) **العبر**، تحقيق فؤاد سيد، كويت، دائرة المطبوعات و النشر فى الكويت.
٣١. سبزواری، محمد، (١٩٩٣م.) معارج اليقين فى أصول الدين، تحقيق علاء آل جعفر، چاپ الأولى، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث
٣٢. سيد ابن طاووس، ابى القاسم على بن موسى (١٤١٤ق.)، إقبال الأعمال، تحقيق جواد القيومى الاصفهاني، قم، مكتب الإعلام الإسلامى.
٣٣. شيخ صدوق، ١٩٩٣م. الاعتقادات فى دين الإماميه، تحقيق عصام عبد السيد، چاپ دوم، بيروت، دار المفيد للطباعة والنشر
٣٤. شيخ صدوق، ١٩٩٣م. الاعتقادات فى دين الإماميه، تحقيق عصام عبد السيد، چاپ دوم، بيروت، دار المفيد للطباعة والنشر
٣٥. شيخ صدوق، محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى (١٣٨٥ق.)، علل الشرائع، تحقيق بحر العلوم، النجف، المكتبة الحيدريه.
٣٦. شيخ طوسى، (١٣٦٤ش.) **تهذيب الأحكام**، تحقيق سيد حسن موسوى خراسان، چاپ سوم، دار الكتب الإسلاميه، تهران.
٣٧. شيخ طوسى، أبى جعفر محمد بن الحسن (١٩٩١م.) مصباح المتجهد، چاپ اول، بيروت، مؤسسه فقه الشيعه.

۳۸. شیخ مفید، ابی عبد الله محمد بن النعمان (۱۴۱۴ق.)، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، تحقیق مؤسسه آل البيت مع چاپ دوم، دار المفید.
۳۹. شیخ مفید، بی عبد الله محمد بن محمد (۱۴۱۰ق.) **المقنعة**، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۰. شیخ مفید، بی عبد الله محمد بن محمد (۱۹۹۳م.) **مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة**، تحقیق مهدی نجفی، چاپ دوم، بیروت، دار المفید.
۴۱. شیخ مفید، بی عبد الله محمد بن محمد (۱۹۹۴م.) **مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة**، تحقیق مهدی نجفی، چاپ دوم، بیروت، دار المفید.
۴۲. صفدی، صلاح‌الدین ابوالصفاء خلیل بن ایبک بن عبدالله سیفی (۱۴۲۰ق.)، **الوافی بالوفیات**، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث.
۴۳. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (۱۴۰۶ق.)، **تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم**، قم، مکتب ایه الله المرعشی النجفی.
۴۴. طبری (منسوب)، ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری الصغیر (۱۴۱۳ق.)، **دلایل الامامیه**، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثة.
۴۵. -----، محمد بن جریر (۱۹۸۳م.)، **تاریخ الامم والملوک**، چاپ چهارم، بریل، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۶. علامه حلی (۱۴۱۴ق.)، **تذکره الفقهاء (ط. ج.)**، تحقیق: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ اول، قم، ناشر مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۴۷. علامه حلی (۱۴۲۰ق.)، **تحریر الأحکام**، ابراهیم بهادری، چاپ اول، قم، مکتبه التوحید.
۴۸. فتال نیشابوری، محمد بن الفتال (بی تا) **روضه الواعظین**، تحقیق محمد مهدی حسن خراسان، قم، منشورات الرضی.
۴۹. قاسم بن ابراهیم الرسی (۱۹۹۸م.)، **تثبیت الإمامة**، تحقیق صالح الوردانی، چاپ اول، بیروت. الغدیر.
۵۰. قاضی نعمان مغربی، ابی حنیفه النعمان بن محمد التمیمی (۱۴۱۴ق.)، **شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار**، تحقیق محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۱. قمی، حسن بن محمد بن حسن قمی، (بی تا) **تاریخ قم**، تحقیق سید جلال الدین طهرانی، مطبعه مجلس، تهران.
۵۲. کاتب البغدادی (۱۴۰۶ق.)، **تاریخ الائمة**، قم، مکتبه ایه الله المرعشی.
۵۳. کفعمی، ابراهیم، (۱۹۸۳م) **المصباح**، چاپ الثالثه، بیروت، ناشر مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۳ق.)، **کافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۵۵. مزی، جمال الدین ابی الحجاج یوسف (۱۴۰۶ق.)، **تهذیب الکمال**، تحقیق عواد معروف، چاپ چهارم، بیروت، موسسه الرساله.
۵۶. مسعودی (۱۴۰۴)، **مروج الذهب ومعادن الجوهر**، چاپ دوم، قم، منشورات دار الهجرة.
۵۷. مقدسی، یدالله، (۱۳۹۵)، **بازپژوهشی ولادت و شهادت معصومان**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

٥٨. موصلى، شرف الدين، (١٤٢٤ق.) مناقب آل محمد، قم، مؤسسه آل البيت.
٥٩. نوبختى، فرق الشيعه، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٤ق.
٦٠. يعقوبى، أحمد بن أبى يعقوب (بى تا)، تاريخ اليعقوبى، قم، المؤسسة نشر فرهنگ أهل بيت (ع)
٦١. يوسف بن حاتم الشامى المشغرى العالمى (بى تا)، الدر النظيم، قم، مؤسسه النشر الإسلامى.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی